انجمن علمی حقوق دانشگاه زنجان

دانشگاه زنجان

نشریه حقوقی داد

شماره نهم اردیبهشت ماه هزار و چهارصد و دو

گاهنامه علمی - فرهنگی
انجمن علمی حقوق دانشگاه زنجان
مدیر مسئول :علی توکلی
سر دبیر:مهدی محمدی
ویراستار و صفحه آرا :سید محمدرضا حسینی

سخن سردبیر

از ابتدای فعالیت بنده در نشریه داد به برکت الطاف الهی و با تکیه بر نیروی جوانی این فرصت به دست آمده است تا نهمین شماره از نشریه را به دست شما علاقه مندان عدالت برسانیم .باید به خداوند و باور خود تکیه کرد و تشکر میکنم از زحمات همه کسانی که نقش علمی هر چند کوچک در انتشار مجله داشته اند و باعث افزایش سطح کیفی و اعتبار نشریه داد شده اند .این نشریه به عنوان یک نشریه اختصاصی با این هدف پا به عرصه گذاشته که بتواند به عنوان نشریه ای عمومی اما با مبنایی علمی و حقوقی، مخاطب عام نیز داشته باشد .واقعیت این است که نشریه های علمی دانشگاهی، عمدتا مخاطب دانشگاهی داشته و به همین دلیل نه تنها به دست عموم نمی رسند بلکه بنا به دلایل تخصصی با گروههای مختلف جامعه نیز نمی توانند ارتباط برقرار کنند. این در حالی است که مجامع دانشگاهی علاوه بر انتشار آثار تخصصی درون دانشگاهی، رسالت برقراری ارتباط با جامعه و گروه های مختلف اجتماعی را نیز بر عهده دارند .از این رو لااقل بخشی از تولیدات علمی و آثارشان باید متناسب با مخاطب عام منتشر شود. در نتیجه با تلاش همه شما دانشجویان عزیز در تلاش خواهیم بود که همین راهبرد نشریه را پیش ببریم .ایمان دارم که با در پیش گرفتن خط مشی کثرت گرایانه، این نشریه می تواند هم به نشر و ترویج اندیشه های نوآورانه،منتقدانه و خلاقانه کمک کرده و سهم خود در تولید علم و اندیشه را بپردازد و هم اینکه در جذب حداکثری مخاطبان به موفقیت نسبی نایل گردد .پس با توکل بر خدا از همه شما فعالان عرصه حقوق و همه افراد خواهشمندیم تا با ارسال آثار و مقالات وزین خود مارا در ارتقای سطح کیفی و کمی این نشریه یاری نمایند.

مهدی محمدی

فهرست

اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی چگونه است ؟ 4

حقوق کودکان کار در ایران و غرب 6

برسی قوانین و مقررات تغییر کاربری اراضی و ایجاد مستحدثات 8

بزه دیدگان جرم کلاهبرداری اینترنتی و برسی حقوق آنان در قوانین داخلی 11

تغییر جنسیت و وضعیت احکام مالی ناشی از جنسیت در قوانین 14

منابع 17

انجمن حقوق دانشگاه زنجان

اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی چگونه است؟

حمید مهران پور

مقدمه

با استناد به بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ، می توان کودکانی را که در ایران از مادران ایرانی و پدران غیرایرانی متولد شده اند دارای تابعیت ایرانی دانست . اما مشکل این است که عمده این ازدواج ها بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی صورت می گیرد . بنابراین ، هر راه حلی برای این مسئله باید همه فرزندان حاصل از این ازدواجها ، اعم از قانونی و غیرقانونی ، را دربرگیرد . قانون گذار ، در ماده واحدهٔ تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی (مصوب ۱۳۸۵) ، اعطای تابعیت ایرانی به این فرزندان پس از رسیدن به هجده سالگی را پیش بینی کرده بود . با این حال ، ایرادهای زیادی به این ماده واحده وارد بود . برای رفع این مشکلات ، مطابق قانون جدید ، مادران ایرانی می توانند قبل از رسیدن فرزند به هجده سالگی برای او تقاضای تابعیت ایرانی کنند . این قانون تقریباً همه شرایط مقرر در قانون سابق برای اعطای تابعیت ، از جمله شرط تولد در ایران و عدم سوء پیشینه کیفری و رد تابعیت خارجی ، را حذف کرده و فراتر از حل یک مشکل قاعده ای در خصوص تابعیت ایجاد کرده است ؛ اقدامی که به خصوص در ارتباط با حذف شرط تولد در ایران ، حذف شرط رعایت ماده ۱۰۶۰ ، و نحوه تأمین دغدغه های امنیتی قابل نقد به نظر می رسد . قانون مذکور درصدد اعطای تابعیت اکتسابی به این فرزندان است و نه اعطای تابعیت بر اساس سیستم خون . حال در توضیحات پیش رو پیرامون این موضوع در چارچوب قانون مدنی و ماده واحده می پردازیم.

بررسی موضوع بر اساس قانون مدنی ، تحلیل بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶:

قانون مدنی ایران در ماده ۹۷۶ اتباع ایران را مشخص کرده است . موضوع بندهای ۴ و ۵ این ماده تابعیت کودکانی است که از پدر خارجی در ایران متولد می شوند . بند ۴ این ماده « کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده اند » را تبعه ایران اعلام می کند . تابعیت بر اساس این بند از تابعیتهای اصلی ایران به شمار می آید و با تولد شخص آغاز می شود (سلجوقی ۱۳۹۵ : ۱۹۳ ؛ نصیری ۱۳۹۷ : ۶۳) . اما این ماده هیچ نقش و جایگاه مستقلی برای مادر ایرانی در انتقال تابعیت دولت متبوع خود به فرزندش قائل نشده است و حتی به صراحت فرزندان متولد شده در ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی ، که او نیز در ایران متولد شده ، را ایرانی ندانسته است (عزیزی و حاجی عزیزی ۱۳۹۰ : ۱۵۳) . برای رفع این نقیصه ، برخی حقوقدانان نظر داده اند که بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به طریق اولی شامل فرزندانی که در ایران از مادر ایرانی و پدر خارجی متولد شده اند هم می شود . « قید خارجی بودن ابوین صرفاً از باب غلبه و با توجه به این نکته است که در غالب موارد حکم مذکور در این بند در مورد متولدین از ابوین خارجی مصداق می یابد . بنابراین ، این قید خصوصیتی در بیان حکم مذکور در بند چهارم ندارد . بر این اساس ، طفل متولد از پدر خارجی و مادر ایرانی ، در ایران ، مشروط بر اینکه یکی از ابوین هم سابقه تولد در ایران داشته باشند ، مشمول بند مذکور بوده و تبعه ایران محسوب خواهد شد » (عابدیان ۱۳۷۸ : ۳۴۴ ؛ امامی ۱۳۸۳ : ۱۸۳ ؛ مدنی ۱۳۸۷ : ۱۰۱ که این اولویت را حتی در فرضی که مادر تبعه ایران است اما در خارج از ایران به دنیا آمده نیز جاری می داند .) برخی حقوقدانان نیز ،بدون ذکر دلیلی ، طفلی را که در ایران از مادر ایرانی متولد ایران به دنیا آمده مشمول این بند می دانند (سلجوقی ۱۳۹۵ : ۱۹۳) .

اداره حقوقی دادگستری نیز در یکی از نظریات خود اعلام کرده است : « قید خارجی بودن ابوین در بند ۴ خصوصیت ندارد و طفل فقط از جهت تولد یکی از ابوین در ایران تبعه ایران است ، نه خارجی بودن آنها . بنابراین ، مادر ایرانی متولد در ایران ، علاوه بر شمول مناط حکم تابعیت ایرانی را نیز دارد و بنابراین قیاس اولویت و تنقیح مناط حکم بند ۴ طفل متولد از او ایرانی است . اما در مورد طفلی که مادر ایرانی او در خارج متولد شده مناط مذکور در بند ۴ صادق نیست . بدون تردید این حکم در موردی نیز جاری خواهد بود که مادر ایرانی تابعیت ایرانی خود را از دست داده است » (عابدیان ۱۳۷۸ : ۳۴۵) . در مقابل گفته شده : « استدلال های یادشده در فوق اگرچه با واقعیات اجتماعی منطبق است ، لیکن از لحاظ حقوقی محض فاقد توجیه منطقی است . زیرا بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به عنوان پذیرش سیستم خاک در مقام بیان استثنا ذکر گردیده است و چون در تفسیر امور استثنایی می بایست به قدر متیقن استثنا اکتفا کرد ، لذا در این مقام ، به عنوان استثنا ، مقدار یقین آور خارجی بودن هر دو والدین طفل است و نمی توان با این بینش مفهوم آن را به مادر ایرانی نیز تسری داد .زیرا باید توجه داشت که قیاس اولویت از ابزارهای تفسیر موسع می باشد ؛ حال آنکه در این مقام (تفسیر حالت استثنا) می بایست نوع تفسیر مضیق باشد . به همین دلیل نمی توان از قیاس اولویت استفاده نمود » (فدوی لنجوانی ۱۳۸۵ : ۷۰) . برخی حقوقدانان نیز بند ۴ ماده ۹۷۶ را در فرضی که مادر ایرانی است (اعم از اینکه مادر متولد ایران باشد یا خارج از ایران) قابل اجرا نمی دانند و بر این اساس خواهان تجدیدنظر در ماده ۹۷۶ شده اند (ارفع نیا ۱۳۹۵ : ۸۲) .البته باید توجه داشت که حتی با قبول این دیدگاه ، در فرضی که با ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی تابعیت زوج بر او تحمیل شود (چنان که تا سال ۱۳۷۹ و قبل ازاصلاح مقررات تابعیت افغانستان ، در خصوص ازدواج زنان ایرانی با اتباع آن کشور ، وضع بدین شکل بود) ، این بند می تواند فرزندان زنان (سابقاً) ایرانی را هم دربرگیرد . زیرا ، در زمان تولد طفل ، مادر تابعیت خارجی دارد و با توجه به تابعیت خارجی پدر و نیز تولد مادر در ایران شرایط برای د هر اعمال بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی فراهم است ؛ مگر اینکه گفته شود منظور از خارجی در این بند اشخاصی است که اصالتاً خارجی باشند و بنابراین مادر سابقاً ایرانی را دربر نمی گیرد که چنین قید و اختصاصی فاقد گونه دلیلی است . البته شرط تحمیل تابعیت خارجی بر زن و نتیجتا سلب تابعیت ایرانی او این است که ازدواج به صورت قانونی و با رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی صورت گرفته باشد (ارفع نیا ۱۳۸۵ : ۹۶) .

فلسفه و قلمرو ماده واحده و قانون اصلاح آن:

ممکن است این پرسش مطرح شود که با وجود بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ، دلایل وضع ماده واحده و سپس قانون اصلاح آن چه بوده است و وضع این قانون چه تأثیری بر بندهای یادشده گذاشته است ؟ هر چند مطابق اعلامیه طراحان طرح پیشنهادی قانون ماده واحده سال ۸۵ وجود پاره ای ابهامات در ماده ۹۷۶ انگیزه طراحان برای ارائه طرح پیشنهادی خود بوده است (فدوی ۱۳۸۵ : ۷۸) ، به نظر می رسد مهم ترین دلیل برای لزوم وضع چنین قانونی عدم رعایت مقررات ماده ۱۰۶۰ در ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی و به ویژه با مردان تبعه افغانستان بوده است که نتیجه آن خیل کودکان بی تابعیت و بی هویت بود . آیین نامه « صدور پروانه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه » ، مصوب ۱۳۴۵ ، شرایط اخذ پروانه زناشویی را تعیین می کند . بر اساس این آیین نامه ، برای صدور پروانه زناشویی ارائه مدارک متعدد لازم است .

از آنجا که بسیاری از مردان تبعه افغانستان که با زنان ایرانی ازدواج کرده اند ، به جهت اقامت غیرقانونی در ایران ، امکان مراجعه به ادارات دولتی ایران را نداشتند و حتی در صورت داشتن اقامت فاقد سایر شرایط مقرر در آیین نامه مذکور بودند ، این ازدواج ها بدون تحصیل پروانه زناشویی صورت گرفته است (صدر ۱۳۸۶ : ۶۴) و در آنها به صیغه شرعی نکاح اکتفا شده است . فارغ از اختلاف نظرهای ماهوی که در خصوص ضمانت اجرای این گونه نکاح ها در نظام حقوقی ایران وجود دارد ، نتیجه عملی عدم رعایت ماده ۱۰۶۰ عدم ثبت نکاح زوجین در دفاتر ازدواج ، عدم درج نام زوج در شناسنامه زوجه ، و نهایتاً عدم صدور شناسنامه برای فرزندان متولد از این ازدواج ها بود .در واقع ، مشکل این نبود که یک خلأ قانونی در مقررات تابعیت ایران وجود دارد که نمی تواند تابعیت چنین فرزندانی را پوشش دهد ، مشکل ناشی از عدم رعایت مقررات ازدواج با اتباع خارجی بود . از سال ۱۳۶۳ و با اضافه شدن تبصره ای به ماده ۴۵ قانون ثبت احوال ، مادران ایرانی برای اخذ شناسنامه ایرانی برای فرزندانشان با مشکل مواجه شدند . مطابق این تبصره ، در مواردی که تابعیت افراد مورد تردید واقع شود باید مراتب جهت اثبات تابعیت به شورای تأمین استان ارجاع شود (نجفی راغب ۱۳۹۲ : ۴) . ماده واحده سال ۸۵ نیز در حد خود پاسخی بود برای این معضل ؛ هر چند ، به باور برخی ، مشکل به ماده ۹۷۶ مربوط بوده است : « با عنایت به ماده ۹۷۶ قانون مدنی ، اطفال مورد بحث مشمول هیچ یک از بندهای ماده ۹۷۶ قانون مدنی نمی باشند .

حقوق کودکان کار در ایران و غرب

سیدمحمدرضا حسینی

کار کودکان به چه کسی گفته می‌شود

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، کودک به فردی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشد. قانون مدنی در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ اعلام کرده است:

- سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری
- سن بلوغ در دختر ۹ سال تمام قمری

استثناهایی برای سن کودکی و کار کودکان

در برخی امور پایان کودکی، سن بلوغ نیست؛ به موارد زیر دقت کنید:

1. افراد زیر 18 سال نمی‌توانند وارد مبادلات مالی و خرید و فروش شوند.
2. قادر به شرکت در انتخابات و تعیین سرنوشت خود نیستند.
3. دریافت گذرنامه برای زیر ۱۸ ساله‌ها مقدور نیست .
4. استخدام در اداره‌های دولتی و اخذ گواهینامه برای وسایل نقلیه موتوری برای افراد زیر ۱۸ سال ممنوع است.

کار کودک از نظر سازمان بین المللی کار

کار کودک از نظر سازمان بین‌المللی کار به آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی کودکان گفته می‌شود که باعث آسیب رسیدن به سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی کودکان می‌شود یا آموزش آنان را از سه طریق دچار مشکل می‌کند.

در مواردی که کودکان به علت فقر اقتصادی یا فرهنگی خانواده‌ها مجبور به ترک تحصیل می‌شوند یا اصلا از ابتدا سر کلاس درس حاضر نشوند یا اینکه به اجبار ساعات زیادی از شبانه روز را به کار کردن و درس خواندن در کنار هم مشغول شوند. بنابراین در این سه مورد افرادی که زیر ۱۸ سال سن دارند به هر طریقی که درگیر چنین فعالیت‌هایی شوند، مشمول تعریف کار کودک خواهند شد.

مجازات متخلفان

طبق ماده ۱۷۶ **قانون کار**، متخلفان از هر یک از مواردی که برای کار کودک گفته شد، برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع تخلف یا **تأدیه حقوق کارگر** یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

1. برای تا ۱۰ نفر، ۲۰۰ تا ۵۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
2. برای تا ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰ نفر، ۲۰ تا ۵۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
3. برای بالاتر از ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر، ۱۰ تا ۲۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. در صورت تکرار تخلف، متخلفان مذکور به حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد.

اگر حقوق کودکتان پایمال شد!

شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که کودکتان را به هر دلیلی به کاری مشغول کرده باشید و در این میان اتفاق ناگواری برای او افتاده باشد. برای اینکه حقوق پایمال شده او را پیگیری کنید می‌توانید از سه راه اقدام کنید:

1. از طریق اداره کل بازرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وارد شوید و مورد تخلف را به آنان اعلام کنید.
2. می‌توانید از طریق هیئت‌های تشخیص اختلاف بین کارگر و کارفرما مشکل خود را مطرح کنید
3. یا اگر جرمی علیه کودک شما اتفاق افتاده باشد، می‌توانید آن را از طریق اطلاع‌رسانی به مراجع قضایی پیگیری کنید. اگر در این مورد، آیین نامه‌های حفاظتی وزارت کار رعایت نشده باشد کارفرما به جز دیه‌ای که باید بپردازد، مجازات هم می‌شود.

ساعات کار روزانه کارگر نوجوان

در قانون کار کشور به ساعات کار روزانه کارگر نوجوان نیز اشاره شده و آن را نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران بزرگسال مشخص کرده است؛ که البته ترتیب استفاده از این امتیاز با توافق کارگر و کارفرما تعیین خواهد شد. طبق این قانون ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است و در نهایت در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوان زیان‌آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود که تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

کودکان کار در کشورهایی که برمی‌شمریم در معرض خطر جدی هستند :

بنگلادش

کودکان در کشور بنگلادش به کار در تولیدی‌های پوشاک، کشاورزی و انواع دیگر صنایع مشغول‌اند. آمار کودکان کار در این کشور دقیق نیست، زیرا به طور رسمی اعلام نمی‌شود. دلیل عمده کار کردن کودکان در بنگلادش فقر شدید است .البته قوانینی در این کشور وجود دارد که از کودکان حمایت می‌کند، اما این قوانین کافی نیست .

چاد

بیشتر کودکانی که در چاد کار می‌کنند در بخش کشاورزی هستند. بعضی از آنها نیز برای کار در مناطق نفتی این کشور فروخته یا قاچاق می‌شوند. شوربختانه شنیده‌ها حاکی از آن است که برخی از این کودکان را وا می‌دارند تا در ارتش کار کنند. سازمان یونیسف گزارش داده که بیش از نیمی از کودکان این کشور به کار اجباری مشغول‌اند .

جمهوری دموکراتیک کنگو

اغلب کودکانی که در کشور کنگو کار می‌کنند مجبور می‌شوند در معادن طلا، ولف‌رامیت (wolframite) و کلتان (coltan) به کار بپردازند و بعضی از آنها نیز درگیر حملات مسلحانه‌ای هستند که در آن منطقه وجود دارد. حدود سه میلیون و 327 هزار و 806 کودک در کنگو جزو کودکان کار محسوب می‌شوند که در بخش‌هایی چون کشاورزی، صنایع و خدمات مشغول‌اند. معمولاً در این کشور از رفتن بچه‌ها به مدرسه ممانعت می‌کنند که این اتفاق در شرق کنگو بیشتر رخ می‌دهد .

بهره‌برداری جنسی از کودکان اهل کنگو بسیار معمول است. بچه‌ها به دلیل نداشتن شناسنامه و مدارک شهروندی چاره‌ای جز وارد شدن به بازار کار و فراهم کردن پول برای خانواده فقیرشان ندارند. همچنین گروه‌های مسلح غیردولتی بچه‌ها را به بردگی می‌گیرند .

بررسی قوانین و مقررات تغییر کاربری اراضی و ایجاد مستحدثات

سنا رحیمی

الهام باقری

مقدمه

زمین کشاورزی یا کُرزه یا لَته ناحیه‌ای در خشکی است که به منظور کشاورزی به عنوان یکی از موارد چراگاه ، کشت محصول، کشتزار بهره‌برداری می‌گردد .در چند دهه اخیر توجه به اراضی کشاورزی ونقشی که در حیات انسان و موجودات زنده دیگر دارد پررنگ تر شده است چرا که در صورت نابودی اراضی کشاورزی ،به هر دلیلی، امکان تجدید دوباره وجود ندارد و انسان از آن نعمت برای همیشه محروم می‌شود در صورت تجدید اراضی نیز هم نیاز به زمان طولانی است هم کیفیت و کارایی اولیه خود را ازدست می دهد از این رو برای حفظ و توجه به این اراضی قانونگذار اقدام به وضع قوانینی در جهت نگهداری از این اراضی کرده که تا حد امکان موجب حفظ این سرمایه ملی شود .

از آنجایی که انسان دارای قوه عقل و اندیشه است و برای هر کاری که انجام می دهد طبیعتاً هدفی در ذهن خود دارد به بررسی این موضوع میپردازیم گاه این اهداف، اهداف شخصی هستند که فرد فقط سود خود را در نظر گرفته و تنها به فکر سود جویی می باشد که متاسفانه از این انسان های طمع کار هم کم نیست که در بعضی موارد درقالب تخریب این اراضی ویا تغییرکاربری نمود پیدا میکند و گاه اهداف افراد در جهت حفظ این سرمایه ملی است و هدف شخصی در کار نیست بلکه نوعی همزیستی ساری و جاری می باشد که این اراضی را سرمایه کشوری می‌دانند و در جهت حفظ آن تلاش می‌کند.

در زمینه تغییر کاربری اراضی کشاورزی و ایجاد مستحدثات نیز قانونگذار قوانینی را در جهت حفظ نظم وضع کرده است که برای جلوگیری از هدر رفت این سرمایه‌های ملی (اراضی کشاورزی) لازم به نظر می‌رسد . در کنار این قوانین دولت ها همیشه متناسب با ایدئولوژی ها و ارزش‌ها و مقدسات خودشان سیاست‌هایی را به کار می گیرند تا در برابر کسانی که از این قوانین(قانون اساسی ، قانون عادی ، مصوبات ،دستورالعمل هاو.....) پیروی نکردند به کار بگیرد . فلذا افرادی که بدون اخذ اجازه از قانون ، دست به تغییر کاربری اراضی کشاورزی می زنند نیز باید مجازات‌های داشته باشند که تا حد بسیار زیادی از اینگونه افعال جلوگیری شود و برای حفظ این اراضی امیدواریم مسمر ثمر واقع شود. همانطور که بیان شد در این مقاله به بحث تغییر کاربری اراضی به دلیل فراگیر شدن آن میپردازیم.

تعریف جهانی زمین کشاورزی

به طور کلی زمین کشاورزی ،زمین روستایی است که در وضعیت فعلی برای کشاورزی استفاده می‌شود و یا قابلیت آن را دارد. هدف سوم برنامه آمایش ایالت اورگان آمریکا، زمین کشاورزی را عمدتاً بر مبنای بهره وری خاک تعریف می‌کند که بر اساس نظام طبقه‌بندی قابلیت خاک (متعلق به دفتر خدمات حفاظت از منابع طبیعی آمریکا) اندازه گیری می‌شود . زمین کشاورزی در اورگان غربی شامل خاک های طبقه ۴-۱ودر اورگان شرقی خاک های طبقه ۶-۱ و سایر اراضی مناسب کشاورزی است . زیرا کیفیت اراضی از مکانی به مکان دیگر متغیر است .

طبقه بندی اراضی کشاورزی در انگلیس ، روشی را برای ارزیابی کیفیت اراضی کشاورزی ارائه می کند تا انتخاب های آگاهانه ای در خصوص کار بری آن در آینده در چهارچوب نظام برنامه‌ریزی صورت بگیرد و پایداری اراضی ارتقا یابد . سیستم طبقه بندی اراضی کشاورزی انگلیس اراضی را به پنج درجه تقسیم کرده است به نحوی که خود اراضی درجه سه ، به دو درجه ۳-۱ و۳-۲ تقسیم شده‌اند . بهترین و مستعدترین اراضی برای کشاورزی، زمین های درجه ۲،۱ و۳-۱ هستند .این اراضی ، بیشترین انعطاف‌پذیری، بهره‌وری و کارایی را در واکنش به نهادها دارند و به بهترین نحو می‌توانند محصولات آینده انگلیس را برای مصارف غذایی و غیر غذایی مانند زیست توده، فیبر و گیاهان دارویی تامین کند برآوردها حاکی از آن هستند که اراضی درجه یک و دو حدود ۲۱ درصد از کل اراضی کشاورزی انگلیس را به خود اختصاص می‌دهند .زیر گروه ۳-۱ هم سهم مشابهی دارد. طبق تعریف بانک جهانی نیز اراضی کشاورزی شامل اراضی تحت کشت محصولات یک ساله دائمی و مراتع دائمی می شود.(حجت ورمزیاری ومحسن صمدی،تحلیل سیاست ها ورهیافت های حفاظت از اراضی کشاورزی"با تاکید بر قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها و اصلاحیه آن"،دفتر مطالعات زیربنایی،۱۴۰۳۶،پاییز۱۳۹۳،صفحات ۲و۳)

زمین کشاورزی درقوانین کشورجمهوری اسلامی ایران

طبق ماده ۱ قانون اصلاحات ارضی ،مصوب ۱۳۳۸/۱۲/۲۴، در بند ۹ زمین - منظور از زمین (ارض) در این قانون زمینی است که بتوان آن را برای یک یا چند نوع از امور کشاورزی مورد استفاده قرار داد.

الف - زمین بائر - زمینی است که در آن عملیات زراعی انجام نگرفته باشد.

ب - اراضی موات - زمینهای بایری است که ملک اشخاص نمی‌باشد.

پ - مرتع - زمینی است اعم از کوه و دامنه یا زمین مسطح که به طور طبیعی حداقل هرهکتار آن بتواند یکصد کیلو وزن دام زنده را در یک فصل‌چرا تعلیف نماید و یا با
توجه به عرف محل هیأت اصلاحات اراضی استان مرتع بودن آن را تأیید نماید.

ت - زمین آبی - زمینی است که زراعت آن از آب دائمی رود یا استخر یا قنات یا چشمه یاچاه وامثال آن آبیاری می‌شود.

ث - زمین دیم - زمینی است که زراعت آن از آب باران یا سیلاب مشروب می‌شود.

ج - بیشه یا قلمستان - زمینی است که در آن درختان غیر مثمر به وسیله اشخاص غرس شده
و تعداد درخت در هر هکتار آن از هزار اصله تجاوزنماید.

چ - باغ میوه - زمینی است که در آن درختان میوه یا مو به وسیله اشخاص غرس و یا
پیوند شده باشد و تعداد درخت میوه یا مو در هر هکتار آن ازیکصد اصله کمتر نباشد و
در مورد درختان خرما و زیتون تعداد در هر هکتار از پنجاه اصله کمتر نباشد.

همچنین بر اساس ماده ۵ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ ماده ۵ - اراضی دایر زمین هایی است که آن را احیاء و آباد نموده‌اند و در حال حاضردایر و مورد بهره‌برداری مالک است زمینهای دایر مشمول این‌قانون صرفاً اراضیکشاورزی یا آیش اعم از محصور یا غیر محصور می‌باشد. این گونه تعریف شده است .

درنهایت برای جمع بندی این مواد به این نتیجه رسیدیم که اراضی کشاورزی به زمین هایی گفته میشود که در آن به فعالیت باغداری ، میوه داری ،دامداری، گلخانه ای،مرغداری ودیگر فعالیت های کشاورزی پرداخته میشود.

مفهوم کاربری اراضی

کاربری اراضی از دو کلمه کاربری و اراضی تشکیل شده است . اراضی ، به کلیه امکانات طبیعی با خصوصیات و شرایط طبیعی یک محل نظیر اقلیم، توپو گرافی ،هیدرولوژی و غیره اطلاق میگردد. کاربری ، معنی استفاده از امکانات طبیعی موجود بر حسب نیازهای انسانی که ممکن است منطبق بر استعداد اراضی به شیوه های علمی یا به روش سنتی و احتمالاً تخریب کننده اراضی باشد .

کاربری اراضی یعنی استفاده از زمین در وضعیت موجود دیوگو و همکاران در سال ۱۹۹۰ کاربری اراضی را این گونه تعریف کرده‌اند : استفاده از زمین یعنی اینکه تمام فعالیت های موجود در یک محل یا انواع مختلف استفاده از زمین را در یک محل تصویر بکشیم مثل زمین‌های زراعی ،

باغ ها ، مناطق مسکونی ، جنگل ، مراتع ، معادن و غیره .(سیدموسی موسوی النسب،موانع و محدودیت های تغییر کاربری اراضی قوانین اساسی ایران،فصلنامه مطالعات حقوق،شماره ششم،زمستان ۱۳۹۵،صفحه ۴۱)

مفهوم تغییر کاربری اراضی

در سطح ابتدایی تغییر کاربری به معنای تغییر در پهنه فضایی نوعی از کاربری است . تغییرکاربری می‌تواند تبدیل از یک نوع کاربری به نوع دیگر یعنی تغییرات در ترکیب و الگوی کاربری های زمین در یک منطقه است یا اصلاح یک نوع خاص کاربری زمین ، می باشد . اصلاح کاربری زمین خاص ممکن است شامل تغییرات در شدت این کاربری و نیز تغییرات در ویژگی و کیفیاتی که مشخصه تغییرات حومه شهر از حالت طبیعی خود به کاربری های تفریحی و مانند آن است. تغییر کاربری اراضی ، یعنی تغییر در نوع استفاده از زمین که لزوماً تغییر در سطح زمین باعث تغییر پوشش زمین می شود ، اما پوشش زمین ممکن است حتی بدون تغییر کاربری زمین تغییر کند .

درمفهوم دیگرتغییرکاربری اراضی یعنی هرگونه اقدام که مانع از بهره‌برداری و استمرار کشاورزی در اراضی زراعی و باغها در قالب ایجاد بنا ، بر داشتن یا افزایش شن و ماسه ، و سایر اقدامات که بنابر تشخیص وزرات جهاد کشاورزی ، سازمان جهاد کشاورزی استان ها و مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان ها باشد تغییر کاربری محسوب می شود .(همان)

مصادیق تغییر کاربری غیر مجاز اراضی زراعی و باغ ها:

دستورالعمل تعیین مصادیق تغییر کاربری غیرمجاز موضوع ماده۱۰ قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۸۵/۸/۱ مجلس شورای اسلامی
(موضوع ماده ۱۱ تصویب نامه شماره ۵۹۸۷۹/ت ۳۷۱۱۰ هـ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ هیئت وزیران)

۱ـ اقدامات ذیل در صورتی که در اراضی زراعی و باغهای موضوع قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و بدون رعایت ضوابط و مقررات مربوطه و اخذ مجوز از کمیسیون تبصره یک ماده یک و یا موافقت سازمان جهاد کشاورزی در قالب طرح‌های تبصره ۴ الحاقی قانون مذکور حسب مورد صورت گیرد و مانع از تداوم تولید و بهره‌برداری و استمرار کشاورزی شود به عنوان مصادیق تغییر کاربری غیرمجاز تلقی می‌گردد:

بزه دیدگان جرم کلاهبرداری اینترنتی و بررسی حقوق آنان در قوانین داخلی

مریم غلامی فرد

فرناز محمدی

مقدمه

امروزه با اینکه پیشرفت روز افزون فناوری اطلاعات و گسترش فضای مجازی، راحتی و سرعت در انجام امور را برای مردم به ارمغان آورده است و بخش لاینفک زندگی بشر امروزی شده است، اما به همان اندازه و حتی بیشتر بستر جدیدی برای ارتکاب جرائمی که تحت عنوان جرائم نسل سوم طبقه بندی می شود در فضای غیر حقیقی فراهم آورده است. فضای مجازی به دلیل داشتن ویژگی هایی همچون گستردگی، فرامرزی بودن، امکان نظارت کمتر و دشواری بیشتر یافتن مرتکبان جرائم اینترنتی، به مراتب بیشتر ازجرائم نسل اول که به موضوعاتی همچون جاسوسی رایانه ای و سرقت برنامه ها می پرداخت و جرائم نسل دوم که در واقع جرائم علیه دادها هستند، کار مقابله با این جرائم را برای مراجع ذیربط دشوار کرده است. به خصوص که درجرائم نسل سوم، جرائم مالی و کلاهبرداری های اینترنتی پرونده های کیفری بسیاری را در دادگاه ها به خود اختصاص داده اند به طوری که آمار بزه دیدگان این دسته از جرائم که در فضای غیر حقیقی وجود دارد به مراتب بیشتر از کلاهبرداری در فضای حقیقی است وخسارت وارده به آنان نیز علی القاعده بیشتر خواهد بود.

همان گونه که در مقررات داخی و بین المللی برای حمایت از بزه دیدگان سایر جرائم، قوانین به خصوصی مدون شده است، قانونگذاران بایستی در جهت حمایت از این دسته از بزه دیدگان جرائم اینترنتی نیز و یا حتی بیشتر، قوانینی تصویب بنمایند تا خسارات ناشی از این جرائم به حداقل برسد. همچنین به دلیل اینکه انسان دارای کرامت، از حقوقی برخوردار است، پاسداشت این حقوق جزء مسئولیت اولیه دولت هاست که چه در جرائم در فضای حقیقی و چه در جرائم در فضای اینترنتی از بزه دیدگان باید حمایت شود.

به دلیل گسترش و پیشرفت روز افزون جرائم اینترنتی و افزایش انگیزه بزهکاران برای ارتکاب جرائم مالی در فضای غیر حقیقی و حتی بدلیل جدید بودن این فضا و عدم آگاهی مردم راجع به آن، زمینه برای بزه دیدگی افراد به راحتی فراهم می شود و در نتیجه ما شاهد افزایش روزافزون تعداد بزه دیدگان فضای اینترنتی هستیم. اما سوالاتی که مطرح می شود این است که آیا در قوانین داخلی به حقوق بزه دیدگان جرم کلاهبرداری توجه شده است؟ آیا قوانین داخلی کارآمدی لازم را در این زمینه دارند؟ حقوق بزه دیدگان جرم کلاهبرداری اینترنتی به خوبی تامین شده است؟

لذا ما در این نوشتار به این موضوع خواهیم پرداخت که بزه دیدگان اینترنتی چه جایگاهی در قانون ما دارند و چه حمایت هایی در جهت حفظ حقوق آنان و کاهش خسارت های وارده به آنان صورت گرفته است و چه کمبود هایی در این زمینه در قوانین وجود دارد و در نهایت به ارائه راهکار هایی جهت حمایت از حقوق بزه دیدگان بپردازیم.

۱- مفاهیم

۱-۱ مفهوم جرم کلاهبرداری اینترنتی

گاهی سارقان از طرق اینترنت سعی می کنند اطلاعات مالی دیگران مانند شناسه کارت بانکی یا رمز عبور حساب بانکی را به دست آورند و با استفاده از آنها اموال مردم را به نفع خود ثبت کنند. در این روش معمولا از بی دقتی و نا آگاهی فرد مال باخته استفاده می شود. به عبارتی می توان گفت که هرکاری در بستر اینترنت به سو استفاده از دیگران ختم

شود که در نتیجه آن مال یا وجهی در بستر اینترنت از حساب او کم شود "کلاهبرداری اینترنتی" نامیده می شود. این کلاهبرداری ها بیشتر از طریق درگاه های جعلی و با ترغیب قربانی انجام می شود. مثلا: عکس کالای ارزان تر از حد معمولی را به مشتری نشان داده و او را برای خرید به سامانه ای که طراحی کرده اند هدایت می کنند تا اطلاعات حساب خود را وارد کند و با استفاده از آن اطلاعات کارت بانکی را خالی می کنند. در ماده ۱۳ از قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸(ماده۷۴۱ تعزیرات) ضمن اینکه مصادیق کلاهبرداری اینترنتی بیان شده برای آن مجازات هم تعیین شده است. بر اساس این قانون استفاده از اینترنت یا سامانه های مخابراتی برای محو کردن و متوقف کردن اطلاعات دیگران یا ایجاد داده های جعلی و یا ایجاد اختلال در اطلاعات مالی دیگران به صورتی که فرد مجرم آن را به مالکیت خود درآورد، "کلاهبرداری اینترنتی" محسوب می شود.

همچنین قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ نیز در ماده ۶۷ تعریفی مشابه را بیان کرده است، که طبق آن اگر شخصی در پوشش مبادلات الکترونیک با استفاده غیر قانونی از برنامه ها، پیام ها و سیستم های رایانه ای و ابزار های ارتباط از دور به اطلاعات مالی و غیر مالی دیگران ورود کند یا داده هارا متوقف کند و یا به هر طریقی اموال آن هارا به نام خود یا دیگری ثبت کند "کلاهبرداری اینترنتی" انجام داده است

۱-۲ مفهوم بزه دیده و انواع آن

۱-۲-۱ مفهوم بزه دیده

"بزه دیده" کسی است که یک خسارت قطعی، یا آسیبی به تمامیت جسمی او وارد شده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند. هنتینگ پدر علم بزه دیده شناسی، بزه دیده را چنین تعریف نموده است: بزه دیده جرم، مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. هنتینگ بزه دیده را در مفهوم مضیق خود مطرح ساخت که ناظر بر مجنی علیه است.**«اله وردی ۱۳۹۷: ص۴»**

به عبارت دیگر، بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد و چناچه تعقیب مرتکب را درخواست کند در مقام شاکی و هرگاه جبران خسارت و ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، مدعی خصوصی نامیده می شود.

-۲-۲ انواع بزه دیده

بزه دیدگان را بر مبنای نقشی که در ارتکاب جرائم دارند، به "بزه دیدگان ایده آل" و "بزه دیدگان سرزنش پذیر" تقسیم می کنیم:

۱-۲-۲-۱ بزه دیدگان ایده آل یا واقعی

این دسته از بزه دیدگان در تحقق جرم نقشی نداشته و ناخواسته قربانی جرم شده اند. این نوع از بزه دیدگان را "بزه دیدگان بی گناه یا ایده آل" می نامند. این دسته از بزه دیدگان بدون اینکه علمی در خصوص قربانی شدن خودشان داشته باشند، بزه دیده جرایم واقع می شوند؛ قربانی شدن آن ها تحت تاثیر عوامل مختلف است.

برخی از این بزه دیدگان تحت تاثیر شرایط خاصی چون سالمندی، کهولت و یا صغر سن هستند و این دسته از افراد ناتوان و آسیب پذیر بوده و در طی جرائم ارتکابی، بی گناه بزه دیده می شوند، در نتیجه اینکه شایسته کمک و مراقبت هستند. در فضای اینترنتی نیز کاربرانی هستند که در اقلیت های قومی و نژادی و یا مذهبی قرار می گیرند. این دسته از کاربران به علت اینکه با اکثریت جامعه تفاوت دارند، بی دلیل در معرض آسیب و تهدید قرار می گیرند. در رابطه با این نوع از بزه دیدگان، ما شاهد ارتکاب جرائم مبتنی بر نفرت در فضای مجازی هستیم. البته در مواردی نیز کهولت سن کاربران و یا صغر سن آنان عاملی برای سوء استفاده از آنان در فضای مجازی قرار گرفته است. **«میر، ۱۳۹۴: ص۳۶»**

۱-۲-۲-۲ بزه دیدگان مقصر یا سرزنش پذیر

این دسته از بزه دیدگان بر خلاف گروه اول که هیچ تاثیری در وقوع جرم نداشته اند، به نحوی در تحقق جرم علیه خودشان نقش دارند.

در نظر رایجان اصلی (۱۳۸۴) بزه دیدگان سرزنش پذیر به دو روش کلی زمینه بزه دیدگی خویش را فراهم می کنند: برخی از بزه دیدگان زمینه های ارتکاب جرم از سوی بزهکار را برخویش فراهم می کنند و به نحوی محرک بزهکار برای ارتکاب جرم هستند، از جمله می توان به رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دید اشاره کرد که با انجام این کار ها به گونه ای مجرم را به ارتکاب جرم تشویق می کنند. در این رابطه می توان به نقش اثر گذار و شتاب دهنده بزه دیده اشاره کرد.**«میر،۱۳۹۴: ص۳۷»**

در مقابل این دسته از بزه دیدگان که به نحوی خود زمینه تحریک و تشویق بزهکار را به ارتکاب جرم فراهم می کنند، دسته دیگری از بزه دیدگان هستند که به واسطه ویژگی های خاص خود سبب تقویت انگیزه مجرمانه در بزهکار می شوند. از مهم ترین موارد این ویژگی ها در اسپارکس می توان به آسیب پذیر بودن ، فرصت ، جذابیت ، تسهیل ، تاثیر گذاری و مصونیت اشاره نمود. دسته بندی های صورت گرفته از سوی اسپارکس به نوعی نشانگر تقصیر و مسئولیت بزه دیده است. **«میر،۱۳۹۴: ص۳۸»**

این دسته از بزه دیدگان با توجه به میزان تقصیرشان به دو دسته کلی تقسیم می شوند که در ادامه به بررسی هر یک از آن ها می پردازیم:

دسته اول: بزه دیدگان با کمینه تقصیر

همان گونه که مطرح شد میزان آگاهی کاربران در بزه دیدگی آنان نقش تعیین کننده ای دارد، در نظر مندلسون نیز آگاهی یا ناآگاهی قربانیان می تواند عامل موثری در وقوع جرم و تحقق بزه دیدگی افراد باشد، با توجه به نظر مندلسون و تقسیم بندی که او انجام داده است، لوپز به این دسته از بزه دیدگان تحت عنوان "بزه دیدگان با کمینه تقصیر" اشاره کرده است. **« میر،۱۳۹۴: ص۴۰»**

۱-بزه دیدگان آگاه

این دسته از بزه دیدگان با اینکه می دانند رفتارشان پر خطر است و در اثر آن چه عواقب خطرناکی محقق خواهد شد، باز هم مرتکب آن رفتار می شوند که در نتیجه منجر به تحقق جرم و بزه دیدگی خود می شوند، در فضای اینترنتی نیز ما شاهد این دسته از بزه دیدگان هستیم، به عنوان مثال در بسیاری از موارد، سیستم های امنیتی موجود، برخی سایت ها را به عنوان سایت های خطرناک و آسیب رسان معرفی می کنند و از فرد می خواهند وارد آن سایت بخصوص نشود. در برخی از موارد اجرای نرم افزار های به خصوص که با نام های متداول کرک ، پچ یا کی جن برای استفاده کردن نرم افزار های غیر رایگان به کار می روند، نیز همین هشدار ها را برای کاربر از سوی سیستم حفاظتی اش به همراه دارد. در صورتی که کاربر به این هشدار ها بی توجهی کند و به آن سایت خاص وارد شود یا نرم افزار مذکور را اجرا کند، بزه دیدگی احتمالی ناشی از آن درواقع مستقیما ناشی از عملکرد خود شخص است. **«میر،۱۳۹۴: ص۴۰»**

۲-بزه دیدگان ناآگاه

فضای اینترنتی، فضایی جدید و مدرن است و کار با این فضا نیاز به آگاهی و دانش رایانه ای دارد، در نتیجه کاربران در هر سطح دانش و تخصصی که باشند در جهان امروز نمی توانند خود را نسبت به فضای اینترنتی بی علاقه و بی تفاوت نشان دهند؛ فراگیری دانش رایانه ای یک لزوم برای تمامی کاربران است.

اما متاسفانه بسیاری از کاربران فضای اینترنتی فاقد دانش کافی برای ورود به این جهان مجازی هستند، در نتیجه به علت فقدان آگاهی، نا خواسته موجبات تحقق جرم و بزه دیدگی خویش را فراهم می کنند. این دسته از افراد مستقیما موجب تحریک بزهکار و تحقق جرم علیه خویش نشده اند، اما در اثر نا آگاهی شان زمینه وقوع جرائم اینترنتی و بزه دیدگی خود را فراهم کرده اند. این افراد هم قربانی نادانی خود و هم قربانی رفتار مجرمانه بزهکار شده اند،که در این میان بی اطلاعی و رفتار پر خطرشان بیشترین تاثیر را در بزه دیدگی شان داشته است.**«میر، ۱۳۹۴: ص۴۲»**

دسته دوم: بزه دیدگان با بیشینه تقصیر

در دسته دوم لوپز به تقسیم بندی دیگری از مندلسون اشاره می کند. از آنجا که درجه تقصیر برخی از قربانیان بالاست، لوپز آنان را در دسته "بزه دیدگان با بیشینه تقصیر" قرار می دهد. در این نوع تقسیم بندی، بی احتیاطی و سهل انگاری عاملی برای در نظر گرفتن بیشترین میزان تقصیر تلقی می شود. از طرفی حس طمع ورزی و حرص ورزیدن برخی از کاربران نیز زمینه بزه دیدگی آنان را فراهم می کند، که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.**« میر، ۱۳۹۴: ص۴۳»**

بزه دیده بی احتیاط

بزه دیده بی احتیاط، فردی است که مراتب احتیاط را رعایت نکرده و توجه و دقت کافی را هنگام کار با رایانه و در فضای مجازی مد نظر قرار نمی دهد. درواقع در این دسته از افراد، بی احتیاطی و یا حتی سهل انگاری شان منجر به بزه دیدگی آنان می شود. از جمله این افراد می توان به اشخاصی اشاره کرد که اطلاعات شخصی از جمله رمز عبور، شماره ملی و .... خود را در هر سایتی که اطلاعاتشان را درخواست می کنند می نویسند و یا افرادی که شرایط لازم برای داشتن رمز عبور قوی و ایمن را رعایت نکرده و خود منجر به بزه دیدگی شان می شوند.**« میر،۱۳۹۴: ص۴۴»**

تغییر جنسیت و وضعیت احکام مالی ناشی از جنسیت در قوانین

مهدی محمدی

سراج الدین صبحی

مقدمه

یکی از موضوعاتی که با پیشرفت علم و تکنولوژی نمود پیدا کرده و در گذشته سابقه چندانی نداشته و امروزه دارای مسائل گوناگونی می باشد، تغییر جنسیت است. این موضوع در سال های اخیر در سطح جهان و به خصوص در کشورهای اسلامی نمود پیدا کرده و این عمل بیشتر صورت می گیرد. اولین جراحی تغییر جنسیت در جهان بر روی فردی به نام یارگسون در سال ۱۹۵۲ صورت گرفت و در ایران در میان فقهای شیعه اول بار امام خمینی (ره) این مسئله را از نظر فقهی بررسی و اولین مجوز تغییر جنسیت را برای مریم خاتون در سال ۱۳۶۲ صادر و به جواز آن فتوا داد. ایشان در سال ۱۳۴۲ در جلد دوم کتاب تحریر الوسیله عنوان مسائل مستحدثه به مسأله تغییر جنسیت پرداخته اند. ایشان می فرمایند: الظاهر عدم صرفه تغییر جنسیته جنس الرجل بالمراه بالعمل و بالعکس و... (امام خمینی، ۱۳۹۲). در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به طور خاصه در بحث مربوط به پرداخت دیه مواد قانونی وجود دارد که نشان می دهد جنسیت در صدور حکم تأثیرگذار است. اگر جانی یا مجني علیه بعد از وقوع جنایت مستوجب دیه تغییر جنسیت بدهند چه تأثیری در مسئولیت پرداخت کنندگان دیه دارد؟ اگر تغییر جنسیت قبل از انجام فعل مستوجب دیه باشد چه تأثیری در احکام موصوف خواهد داشت؟(آریان پور کاشانی، ۱۳۶۹)

مقصود از تغییر جنسیت این است که هویت و جنسیت مرد یا زن به کلی تغییر کند. شاید از اطلاق موضوع مورد بحث این گونه به ذهن متبادر شود که تمام انسانهای روی زمین در معرض تغییر جنسیت می باشند و هر کس که میل به تغییر جنسیت خود داشته باشد، می تواند موضوع عمل تغییر جنسیت قرار گیرد. ولی آنچه تاکنون در علم پزشکی سابقه دارد این است که دو گروه از افراد در معرض و موضوع تغییر جنسیت هستند: (اصغری آق مشهدی، ۱۳۸۷)

نخست، کسانی که در فقه و حقوق به عنوان خنثا معروف شده اند، خنثا به کسی گفته می شود که دارای علایم جنسی رجولیت و انانیت یا مردانگی و زنانگی می باشند.

گروه دوم کسانی هستند که علایم جنسی بدنی آنها با گرایشات و تمایلات جنسی آنها موافق نیست و این دو با هم معارض می باشند. این گروه به خنثا روانی مشهور شده اند. (کریمی نیا، ۱۳۹۱)

بنابراین با توجه به سابقه موضوع در علم پزشکی می توان گفت: افرادی در معرض این درمان قرار می گیرند که به نوعی از لحاظ جسمی یا روانی و یا هر دو، مشکل جنسی داشته باشند و پزشک متخصص تغییر جنسیت را برای بهبود وضعیت او مناسب تشخیص دهد.(انصاری، ۱۳۸۲)

مسئله تغییر جنسیت است. تغییر جنسیت در اصطلاح، عبارت است از دگرگونی ویژگی های فیزیکی و بیولوژیکی یک فرد با استفاده از عمل جراحی و هورمون درمانی، در جهت همانندسازی آن ویژگیها با جنسیت مخالف (هاشمی، ۱۳۹۰). در آثار فقهی و حقوقی، احکام و تکالیف دو دسته از افراد مبتلا به اختلال جنسیتی یعنی اشخاص خنثی و ممسوح به تفصیل بیان شده است، اما با رهیافت های جدید دانش روان پزشکی، نوع دیگری از اختلال جنسیتی به نام روان دگرجنسی یا تراجنسیتی (Transsexual) کشف شده که با ویژگیهای منحصر به فرد، از دو دسته پیش گفته متمایز است. (دیانی ع. ۱۳۷۹)

یکی از مباحث نوظهوری که علوم مختلفی چون پزشکی روان شناسی، جامعه شناسی و حقوق را از زوایایی به خود مشغول کرده، بررسی مسائل جدید همیشه امری رایج در میان فقیهان بوده و پیشرفت های سریع و شگرف علم پزشکی موجب بروز مسائل حقوق شده که در گذشته سابقه نداشته است. تغییر جنسیت از موضوعاتی است که امروزه اندیشمندان حوزه فقه و حقوق را به تأمل واداشته و آنها را به بررسی ابعاد مختلف و چالش های موجود در این قضیه سوق داده است.

افرادی که خلقت آنها کامل بوده و نقصی در بدن آنها وجود ندارد، تغییر و تبدیل جنس آنها به جنس مخالف بسیار نادر است و به همین دلیل، برخی اصطلاح «اصلاح جنسیت» را پیشنهاد کرده اند. از لحاظ حقوق نیز تغییر جنسیت موجب ظهور مسائل جدیدی در این زمینه شده است که در کتب مؤلفان حقوق این بحث کمتر مورد اشاره قرار گرفته است.

با توجه به نقشی که تغییر جنسیت در زندگی شخصی و خصوصی شخص ایفا می کند، اگر شخص برطبق استانداردهای پزشکی تغییر جنسیت دهد، از حالت اضطراب و افسردگی خارج شده و به حالت نشاط و آرامش طبیعی بر می گردد ولی در صورتی که به صرف تمایل خود و برخلاف مقررات علم پزشکی تغییر جنسیت دهد، مشکلات جسمانی و روانی او مضاعف می شود. بنابراین نقش مهمی که جنسیت در زندگی شخصی و اجتماعی بشر دارد و با عنایت به حقوقی که به هر یک از دو جنسیت مذکر و مؤنث تعلق میگیرد، باید موضوع تغییر جنسیت از لحاظ حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

همان گونه که می دانیم یکی از عوامل مهم در تمتع یا عدم تمتع از برخی حقوق، جنسیت فرد است و با تغییر جنسیت، در برخی از حقوق متعلق به او تغییراتی ایجاد می شود. حکم وضعی عقد نکاح فرد تغییر جنسیت یافته، مهم ترین مسئله ای است که پس از این پدیده به میان می آید. تعیین وضعیت عقد نکاح پس از تغییر جنسیت مورد توجه فقهای معاصر واقع شده است و نوشته هایی در این خصوص به بیان و جمع آوری نظریات فقها پرداخته اند؛ اما مسئله ای که تا به حال به آن اشاره ای نشده، عدم پرداختن به این مسئله به این دلیل است که تفاوت میان دو دسته افرادی که موضوع عمل تغییر جنسیت قرار می گیرند، مورد توجه واقع نشده است؛ در حالی که تغییر جنسیت به معنای خاص کلمه، تنها بر افراد تراجنسیتی صدق می کند و افراد خنثی با عمل جراحی دست به تعیین جنسیت خود می زنند و وضعیت نکاح هر گروه را باید جداگانه و با توجه به قانون مدنی بررسی نمود. نظام کامن لا به عنوان نظام حقوقی متمدن به این مسئله توجه داشته است و قوانین و رویه قضایی کشورهای این نظام، وضعیت عقد نکاح را پس از تغییر جنسیت مشخص کرده اند. (کاتوزیان، ۱۳۷۲)

مسلما تغییر جنسیت در مسئولیت کیفری پرداخت کنندگان دیه می تواند تأثیرگذار باشد. با این وصف، مواد ۳۸۲ و ۳۸۸ (در مسئولیت پرداخت کنندگان فاضل دیه در جنایات عمدی) و مواد ۴۶۲، ۴۶۳، ۵۵۰، ۵۵۱ و ۵۶۰ (در مسئولیت پرداخت کنندگان دیه در جنایات غیر عمد) مشمول موضوع بحث است. اگر کسی قبل از ارتکاب جرم مندرج در مواد فوق الذکر تغییر جنسیت بدهد، یا بعد از ارتکاب عمل مجرمانه اقدام به تغییر جنسیت نماید، آیا مقررات پیش گفته به طور یکسان علیه او اعمال می شود؟ آیا توجه مسئولیت کیفری پرداخت کنندگان دیه با توجه به جنسیت مرتکب یا مجنی علیه به هنگام ارتکاب است و در صورت تغییر جنسیت بعد از ارتکاب، حکم قبلی استصحاب می شود؟ یا این که ملاک و معیار توجه مسئولیت پرداخت کنندگان دیه، وضعیت فعلی مرتکب یا مجنی علیه است؟ ابتدأ مفهوم تغییر جنسیت را بیان و سپس آن از منظر فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار می گیرد و آنگاه به طور مبسوط به تأثیر تغییر جنسیت در مسئولیت کیفری پرداخت کنندگان دیه می پردازیم.

منابع

همو . تغییر جنسیت . روزنامه اعتماد

باریکلو . وضعیت تغییر جنسیت .اندیشه های حقوقی

کاتوزیان . قانون مدنی در نظم حقوق کنونی

نام جویان،شاهرخ ؛ ورمزیار ،محمدجواد ؛ ملا احمد نجم آبادی ،عباس ،مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با خرد شدن اراضی کشاورزی

ورمزیاری،حجت؛محسن صمدی،تحلیل سیاست ها و رهیافت های حفاظت از اراضی کشاورزی(با تاکید بر قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها و اصلاحیه آن)،مطالعات زیربنایی گروه کشاورزی،شماره مسلسل ۱۴۰۳۶

آشتیانی،محسن،دستورالعمل اصلاحی ضوابط واگذاری اراضی ملی و دولتی برای طرح های کشاورزی وغیر کشاورزی (به انضمام قوانین مربوطه)، نشرشادرنگ،چاپ جدید،تهران ۱۳۹۶

انورجهانبخشیان،محمد،آشنایی با قوانین و مقررات حفظ کاربری اراضی زراعی و باغی،ناشر سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان ،چاپ اول ، بهار ۱۳۹۷

زر رخ، احسان، بزه دیده شناسی سایبری، نشریه مجلس و راهبرد،شماره۶۴،پاییز و زمستان ۱۳۸۹

منصور، جهانگیر، قوانین آیین دادرسی کیفری، نشر دیدار،چاپ بیست و نهم، تهران، ۱۳۹۹

منصور، جهانگیر، قانون مجازات اسلامی، نشر دیدار، چاپ صدوپنجاه و هفتم، تهران، ۱۳۹۸

میرزایی، امین، جرایم سازمان یافته سایبری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت، ۱۳۹۴

اله وردی، فرهاد، جبران خسارت بزه دیده در جرایم سایبری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی قم،۱۳۹۷

اسلامی، بهرام، جایگاه حمایت از بزه دیدگان جرایم سایبری در مقررات کیفری حقوق داخلی و حقوق بین الملل

میر، فاطمه، نقش بزه دیده در تحقق جرایم سایبری، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی،شهریور ۱۳۹۴

LAW.ZNU

znu-law